

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۹۸

مصادف با: ۲۲ محرم ۱۴۴۱

جلسه: ۳

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

مسأله ۵۷۶: «إذا شك في الحدث بعد الوضوء، بنى على بقاء الوضوء إلّا إذا كان سبب شكّه خروج رطوبة مشبهة بالبول و لم يكن مستبرئاً فإنه حينئذ يبنى على أنّها بول و أنّه محدث...»^۱.

بحث در مسأله ۵۷۶ بود. عرض شد که در این مسأله به چند فرع اشاره شده است که فرع اول در جلسه گذشته ذکر شد و عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر بعد از وضو در حدوث حدثی شک شود، بنا بر بقاء وضو گذاشته می شود. عرض شد که دلیل حکم مذکور، اجماع، استصحاب و مقتضای روایاتی است که در این رابطه وارد شده اند که در جلسه گذشته به یک روایت اشاره شد.

روایت دوم: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ؛ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «إِذَا اسْتَيْقَنْتَ أَنَّكَ قَدْ أَخَذْتَ فَوَضَّأَ وَإِيَّاكَ أَنْ تُحْدِثَ وَضُوءاً أَبَدًا حَتَّى تَسْتَيْقِنَ أَنَّكَ قَدْ أَخَذْتَ»^۲.

در روایت مذکور، آمده است که اگر یقین پیدا کردی که حدثی از تو صادر شده است، وضو بگیر و برحذر باش که وضو بگیری مگر اینکه یقین پیدا کنی که حدثی از تو صادر شده است، یعنی تا یقین به صدور حدث پیدا نکردی، بر یقین قبلی خود باقی باش و آن را نقض نکن.

همان طور که قبلاً اشاره شد، این مسأله بین اصحاب، بلکه بین مسلمین، متسالم علیها است، یعنی اگر کسی بعد از وضو شک در حدوث حدث کند، بنا بر بقای وضو می گذارد و این مسأله، جز بعضی از عامّه که مالکی ها باشند، مخالفی ندارد.

در کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة آمده است: «المالكية قالوا: ينتقض الوضوء بالشك في الحدث أو سببه، كأن يشك بعد تحقق الوضوء هل خرج منه ريح أو مس ذكره مثلاً أو لا أو شك بعد تحقق الناقض هل توضع أو لا أو شك بعد تحقق الناقض و الوضوء هل السابق الناقض أو الوضوء، فكل ذلك ينقض الوضوء لأن الذمة لا تبرأ إلّا باليقين و الشاك لا يقين عنده»^۳. مالکی ها گفته اند که ذمه جز با یقین بری نمی شود و شخص شاک یقینی ندارد و چون اشتغال یقینی، برائت یقینی می طلبد، شخصی که در حدوث حدث شک کرده است، باید دوباره وضو بگیرد تا برای او برائت یقینی حاصل شود.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب نواقض الوضوء، باب ۱، ص ۲۴۷، ح ۷.

۳. عبدالرحمن جزیری - سید محمد غروی - یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، ج ۱، کتاب الطهارة،

مباحث الوضوء، مبحث نواقض الوضوء، ص ۱۵۶.

بنابراین، نظر مالکی‌ها این است که طبق قاعده اشتغال شخص باید دوباره وضو بگیرد، لکن عرض می‌شود که استصحاب بر قاعده اشتغال محکم است لذا بر یقین سابق بنا گذاشته می‌شود و به صحت وضو حکم می‌شود.

مرحوم سید (ره) در ذیل فرع اول، یک مورد را استثناء کرده است و فرموده است که اگر سبب شک، خروج رطوبتِ مشتبّه به بول باشد و شخص استبراء نکرده باشد، در این صورت، بنا بر این گذاشته می‌شود که آن رطوبت، بول است و آن شخص محدث است. دلیل استثناء مذکور، روایات خاصه‌ای است که وارد شده‌اند که این روایات، اطلاعات را تخصیص می‌زنند و بین قبل از استبراء از بول و بعد از استبراء تفاوت قائل شده‌اند. این روایات در باب سیزدهم از ابواب نواقض وضوء در جلد اول کتاب وسائل الشیعه آمده است.

مرحوم سید (ره) در ادامه مسأله ۵۷۶ نوشته است: «وإذا شك في الوضوء بعد الحدث، يبنى على بقاء الحدث»^۱. **فرع دوم**، این است که اگر بعد از حدوث حدث در وضو شک باشد [، یعنی بعد از علم به حدث، شک باشد که آیا طهارت حاصل شده است یا طهارت حاصل نشده است]، بر بقاء حدث بنا گذاشته می‌شود [و بقاء حدث استصحاب می‌شود]. دلیل حکم مذکور، ادعای اجماعی است که علامه (ره) آن را در کتاب منتهی المطلب ادعا کرده است و اگر از اجماع نیز صرف نظر شود، دلیل استصحاب کفایت می‌کند.

ممکن است که گفته شود که نصوصی که در باب استصحاب وارد شده است، به موردی مربوط است که حالت سابقه، طهارت باشد و شک در حدوث حدث پیش آمده باشد و مورد بحث که حالت سابقه، حدث است و شک در طهارت هست را شامل نمی‌شود، لکن در پاسخ، عرض می‌شود که هرچند که منصوص روایات، حالت سابقه طهارت و شک در حدث را شامل می‌شود، ولی عرض می‌شود که استصحاب به یک مورد خاص اختصاص ندارد، بلکه یک قاعده کلی است که با شک در بقاء جاری می‌شود و با جریان آن به ابقاء حالت سابقه حکم می‌شود و فرقی نمی‌کند که حالت سابقه طهارت باشد و بعد از آن در حدوث حدث شک شده باشد یا اینکه حالت سابقه حدث باشد و در طهارت شک شده باشد. بنابراین، کبری کلی باب استصحاب، بحث مورد نظر که حالت سابقه حدث است و شک در طهارت هست را نیز شامل می‌شود.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و الظنّ الغير المعبر كالشك في المقامين»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، ظن غیر معتبر نیز همانند شک است، یعنی چه در موردی که حالت سابقه طهارت باشد و چه در موردی که حالت سابقه حدث باشد، ظن غیر معتبر نیز حکم شک را دارد، یعنی بنا بر حالت سابق که یقینی است، گذاشته می‌شود و به ظن غیر معتبر اعتنا نمی‌شود چون مقصود از شک در بحث مذکور، خصوص شک بما هو شک نیست، بلکه مقصود از شک، عدم یقین است که شامل ظن غیر معتبر و وهم نیز می‌شود. شاهد بر این مطلب روایت ذیل است:

صحيحه عبدالرحمن: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ لِلصَّادِقِ (ع): أَجِدُ الرِّيحَ فِي بَطْنِي حَتَّى أَظُنَّ أَنَّهَا قَدْ خَرَجَتْ؛ فَقَالَ: «لَيْسَ عَلَيْكَ وَضُوءٌ حَتَّى تَسْمَعَ الصَّوْتَ أَوْ تَجِدَ الرِّيحَ» - ثُمَّ قَالَ: - «إِنَّ إِبْلِيسَ يَجْلِسُ بَيْنَ أَلْيَتَيِ الرَّجُلِ فَيُحَدِّثُ لِيَشْكُكَ»^۳.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. همان.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب نواقض الوضوء، باب ۱، ص ۲۴۶، ح ۵.

علاوه بر استصحاب حدث در فرع دوم، قاعده دیگری نیز وجود دارد و آن، قاعده اشتغال است، به این معنی که حالت سابقه حدث است و الآن شک در طهارت است و قاعده اشتغال [الإشتغال یقینی یقتضی البرائة الیقینیة] اقتضاء می‌کند که ذمه شخص مشغول به تکلیف است، یعنی مکلف باید برای نماز خواندن وضو بگیرد و اکنون که شک دارد که آیا وضو دارد یا وضو ندارد، قاعده اشتغال اقتضا می‌کند که برای یقین به براءت ذمه باید وضو بگیرد. بنابراین، در فرع مذکور، هم استصحاب جاری می‌شود و هم به قاعده اشتغال تمسک می‌شود.

مرحوم سید (ره) در ادامه مسأله ۵۷۶ نوشته است: «و إن علم الأمرین و شک فی المتأخر منهما، بنی علی أنه محدث، إذا جهل تاریخهما أو جهل تاریخ الوضوء»^۱.

فرع سوم، این است که شخص به حصول طهارت و حدوث حدث علم [اجمالی] دارد، لکن در اینکه کدام یک از این دو متأخر بوده است، شک دارد که در این صورت، اگر به تاریخ آن دو جهل داشته باشد یا به تاریخ وضو جهل داشته باشد، بنا بر این گذاشته می‌شود که او محدث است.

این فرع، توارد الحالتین است، یعنی دو حالت حدث و طهارت با هم توارد کرده‌اند. پس در مورد مذکور، به طهارت و حدث علم وجود دارد، ولی درباره اینکه کدام متأخر بوده است، شک وجود دارد که خود این بر دو قسم است؛ قسم اول، این است که تاریخ حدث و طهارت مجهول است و قسم دوم، این است که تاریخ وضو مجهول است. مرحوم سید (ره) فرموده است که در هر دو قسم بنا بر محدث بودن گذاشته می‌شود.

مشهور در مورد قسم اول [صورت جهل به تاریخ حدث و طهارت]، به محدثیت و وجوب وضو قائل شده‌اند. شهید اول (ره) در صفحه ۲۳۶ از جلد دوم کتاب ذکری به اصحاب نسبت داده است که اصحاب قائل به وجوب وضویند. تعبیر شهید اول (ره) مشعر به اجماع است؛ هر چند که لفظ اجماع در تعبیر ایشان نیامده است.

دلیل حکم مذکور، قاعده اشتغال است، به این نحو که شخص به طهارت و حدث علم دارد، ولی چون به تاریخ حدث و طهارت جهل دارد، ذمه او به تکلیف مشغول است و قاعده اشتغال اقتضا می‌کند که برای حصول براءت یقینی باید فراغ یقینی حاصل شود لذا شخص باید وضو بگیرد تا یقین کند که ذمه‌اش از تکلیف بری شده است.

عده‌ای به روایتی از فقه رضوی به عنوان مؤید قاعده اشتغال تمسک کرده‌اند؛ «و إن كنت علی یقین من الوضوء و الحدث و لا تدری أیهما سبق فتوضاً»^۲.

نکته: چون کتاب فقه رضوی مورد تأیید نیست، به روایات آن به عنوان مؤید می‌توان تمسک کرد، ولی استناد به آن روایات به عنوان دلیل، تمام نیست.

سؤال: آیا در بحث مورد نظر، علاوه بر قاعده اشتغال، می‌توان به استصحاب نیز تمسک کرد یا نمی‌توان به استصحاب تمسک کرد؟
پاسخ: در مورد مذکور، جایی برای جریان استصحاب وجود ندارد چون یکی از شرائط جریان استصحاب این است که شک متصل به زمان یقین باشد و در این مورد، یقینی وجود ندارد تا شک متصل به آن باشد لذا نمی‌توان به استصحاب تمسک کرد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. فقه الرضا (ع)، ص ۶۷.

عده‌ای برای اثبات وجوب وضو به کتاب و سنت نیز استناد کرده‌اند، یعنی قبل از اینکه به قاعده اشتغال تمسک کنند، گفته‌اند که دلیل لفظی بر وجوب وضو وجود دارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»^۱.

گفته‌اند که آیه مذکور، اطلاق دارد و بر وجوب وضو برای هر نمازی دلالت دارد؛ اعم از اینکه شخص طهارت نداشته باشد یا شک داشته باشد که طهارت دارد یا طهارت ندارد و فقط یک مورد از اطلاق آیه خارج است و آن، موردی است که شخص یقین به طهارت داشته باشد لذا در فرض مسأله که شخص در تأخر طهارت و حدث شک دارد و تاریخ هر دو برای او مجهول است، بر او واجب است که وضو بگیرد.

در پاسخ از استدلال به آیه مذکور بر وجوب وضو، عرض می‌شود که آیه مذکور، به فرد غیر متطهر که طهارت ندارد، اختصاص دارد، اما در مورد موارد حالتین که دو حالت حدث و طهارت برای شخص عارض شده است، مورد از موارد شبهه مصداقیه است و در شبهات مصداقیه نمی‌توان به اطلاق تمسک کرد. بنابراین، استناد به آیه مذکور، بر مدعا تمام نیست.

بحث جلسه آینده: روایاتی که برای اثبات وجوب وضو، در این فرض مذکور، به آنها استناد شده است، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمين»